**مقدمه سوم:** عنوان نهی.

اقسامی برای نهی مطرح است که باید دید کدام یک از این اقسام مراد علمای اصول در این بحث است.

**الف:** ( ‌نهی تحریمی )

حرام تحریمی عملی است که ذاتا مبغوض نیست و حرمتی ندارد و لکن شارع مقدس حکم به حرمت آن کرد است. مثل نهی حائض از انجام نماز ، روزه و حج و.. ما میدانیم نماز ، حج ، روزه ذاتا حرمتی ندارند اما شارع برای حائض حرمت را تشریع کرده است. مورد اتفاق همه فقها این است که نماز حائض و روزه او باطل است و نهی مُفسد عبادت است.

**ب:** ( نهی تنزیهی )

نهی دلالت بر کراهت دارد مثل لا تصلِّ فی الحمام. آیا نهی تنزیهی داخل در محل بحث ما می­شود؟

بین علماءاختلاف است.

**قول اول:** شیخ انصاری ره در مطارح النظار ج ۱ ص ۷۲۸ می­فرماید: نهی در عبادت شامل نهی تحریمی می­شود و نهی تنزیهی خارج از بحث است.

**قول دوم:** آخوند در کفایه می­فرماید: نهی تنزیهی نیز داخل محل نزاع است

**دلیل:**( تعمیم ملاک است ) مراد از ملاک تنافی بین نهی و مقربیَّت عمل است یعنی همانگونه که بین نهی تحریمی با صحت عمل و مقربیَّت عمل منافات دارد همچنین بین نهی تنزیهی یعنی کراهت با صحت و مقربیَّت عمل تنافی دارد وقتی ملاک در هر دو جاری است وجهی ندارد که این بحث را به نهی تحریمی اختصاص داد.

مرحوم نائینی با نظر شیخ موافق است.

**دلیل:** نهی تنزیهی منافاتی با صحت عمل ندارد زیرا نهی تنزیهی علاوه بر آنکه نهی از عبادت است رخصت ضمنیّه دارد یعنی لا تصل فی الحمام نهی از صلاه در حمام است ضمن اینکه متضمن جواز خواندن نماز در حمام است لذا لا تصلّ فی الحمام نمی­تواند اطلاق صلِّ را مقیَّد کند پس بین اطلاق صلِّ با لا تصلِّ فی الحمام تنافی و تعارض نیست مگر اینکه اطلاق صلِّ را شمولی بدانیم و متعلَّق لا تصلِّ را شخص نماز گزار بدانیم یعنی نماز گزار نباید نمازش را در حمام بخواند در این صورت لا تصل اطلاق شمولی صلِّ را مقیَّد می­کند و لکن به نظر ایشان اطلاق صلِّ بدلی است و منهی عنه در لا تصلِّ شخص نیست بلکه نماز در حمام است لذا این نماز در حمام یکی از افراد نماز است و مشمول اطلاق صلِّ می­شود و صحیح است پس منافاتی بین لا تصلِّ و صحت نماز در حمام نیست و لذا حرف آخوند مردود است[[1]](#footnote-1)

**نظر استاد:** به نظر ما بیان مرحوم نائینی مشکل دارد.

**توضیح:** رخصت ضمنیه در جای است که وقت ضیق باشد . در این جا نماز در حمام رخصت ضمنیه دارد اما در زمانی که وقت وسیع است اجازه نداریم که نماز در حمام بخوانیم بلکه بعد از خروج از حمام باید نماز خواند . بنابراین اطلاق صلِّ در زمان وسعت وقت باقی نیست به گونه ای که نماز در حمام را شامل شود بلکه بین نهی لا تصلِّ و نماز در حمام تنافی است این نماز شایستگی تقرُّب را ندارد لذا کلام آخوند صحیح است

**ج:** ( نهی نفسی )

این نهی در مقابل أمر نفسی است . حرمت نفسی آن است که ارتکابش عقوبت می­آورد چنانکه وجوب نفسی آن است که ترک آن عقوبت می­آورد . نهی در عبادت اگر نهی نفسی و حرمت نفسی باشد موجب افساد عبادت است مثل لا تغصب صلاه در دار غصب باطل است.

**د:** ( نهی یا حرمت غیری )

یعنی خود این عمل مستقلا حرام نیست و ارتکابش موجب عقاب نیست و لکن بخاطر یک حرام دیگری یا واجب دیگری حرام شده است . نهی غیری دو قسم است

**الف:** نهی تشریعی اصلی.

**ب:** نهی تشریعی تبعی .

تفاوت آنها این است که نهی غیریِ اصلی برای اعتبار قید عدمی در مأمور به صادر شده است مثل نهی از صلاه در اجزاء غیر مأکول پس نماز مقیَّد به قید عدمی شد یعنی اجزاء حیوانات غیر مأکول نباید در بدن نماز گزار باشد این نهی هم مُفسد عبادت است .

اما نهی تبعی در باب تلازم بین ضدین است مثلا أمر به شیء مقتضی نهی از ضد است این نهی اصلی نیست تبعی است یعنی تابع ضد است مثلا نهی از صلاه در وقت ازاله شده است پس ازاله نجاست نهی از ضد خودش می­کند در این جا نهی ما صیغه ای ندارد ( لفظی ندارد) بلکه از مقوله معنی است یعنی نهی از یک معنی بدست آمده است و آن معنی همان أمر به شیء مقتضی نهی از ضدش است. در اینجا هم این نهی مفسد عبادت است یعنی اگر کسی در وسعت وقت به جای ازاله نماز بخواند باطل است

**ه:** ( نهی ارشادی )

نهی ارشادی در واقع ارشاد به یکی از دو چیز است.

**الف:** ارشاد به مانعیَّت دارد مثل اینکه می­گوید لا تصلِّ فی وَبَر ما لا یوکل. این نهی ما را راهنمای می­کند به اینکه پشم حیوان حرام گوشت مانع نماز است

**ب:** ارشاد به خود فساد عمل است مثل نهی النبی عن بیع الغرر یا مثل نهی از بیع کالی به کالی که ارشاد این نهی به فساد این نوع از بیع است بنابراین قاعده نهی در عبادت در همه این نواهی پنج گانه جاری است و هدف ما از أمر سوم تعمیم عنوان نهی در همه اقسام نهی بوده است.

1. ۱-اجود جلد ۱ صفحه ۳۶۵ [↑](#footnote-ref-1)